

۸۳۶۶۶

## نسخه برداری نرم افزار (کپی رایت)

میرهادی حسینی عضو هیئت علمی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی

### دانشگاه تربیت معلم

اتحصار خلافت فکری در اختیار شخص ، فطرتا از تمایلات انسان است . گرچه این امر فرایندی متضاد با همگرایی یا زندگی اشتراکی انسان دارد .

با این ذهنیت بود که از قرن بیستم ، قوانین متعددی در جهت حمایت از حقوق دارندگان آثار فکری و علمی بوجود آمد . استفاده غیر قانونی از آثار صاحبان اندیشه ، موضوعی نیست که یک رویه داشته باشد و این امر مستلزم کنکاشی روانشناسانه و جامعه شناسانه از اصل قضیه است ، یعنی امری که معمولا کمتر به آن عنایت می شود . از دهه پیش که استفاده از رایانه به نحوی عمومی رایج شد ، تا به امروز ، موضوع استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری هم در ردیف حقوق دارندگان آثار فکری و علمی قرار گرفت . شاید اگر کسی نمی توانست حق کپی را نقض کند ، موضوع فوق امروزه آنقدرها هم جدال برانگیز نمی شد .

با ورود فرهنگ استفاده کلان از رایانه در ایران ، در چند سال اخیر شاهد طرح مسئله حقوق دارندگان نرم افزار هستیم ، امری که پرداختن به آن حول سه محور حقوقی - فرهنگی - تکنیکی می شود . با عنایت به ارتباط منطقی بین دانش نرم افزار و سخت افزار ، لازم است که نقض حقوق دارندگان دانش سخت افزار هم مورد توجه قرار گیرد .

اساما این موضوع برای اولین بار از طرف کشورهای توسعه یافته مطرح شد . این کشورها هرگز واکنش مهمی نسبت به نقض کپی برداری از سخت افزار را نشان ندادند ، و این خود موضوعی مبهم است . چگونه بود

که شبیه سازی ریزپردازنده ها با مخالفت جدی و مداوم سازندگان اصلی بخصوص آی بی ام (IBM) روبرو نشد، اما همین شرکتها ی قدرتمند با کپی برداری از نرم افزارها بشدت مخالفت می کردند. اگرچه بعضی از شرکتها مثل اپل (APPLE)، با اعمال سیاستهای جدی به مقابله با کسانی که قصد کپی برداری از سخت افزارشان را داشتند، برخوامتند، اما هرگز نتوانستند در مقابل موج گسترده این شبیه سازان موفقیت مالی کسب کنند، و این امر از دلایل اصلی ظهور مبحث جدیدی تحت عنوان سازگاری (Compatibility) در دانش رایانه گشت.

بنابراین، فرهنگ عدم استفاده از شبیه سازی در سخت افزار عملا در دریای رشد تکنولوژی غرق شد. اما برای ما به عنوان یک استفاده کننده جهان سومی، قضیه به گونه ای دیگر قابل تحلیل است. بنظر میرسد که اکثر طراحان سخت افزار از کشورهای توسعه یافته هستند و آنان به نوعی به همزیستی با هم تن در داده اند، در حالی که همین نگرش در مورد نرم افزار فسرک میکنند. در یک دهه اخیر، بسیاری از کاربران جهان سومی به تکنولوژی ساخت نرم افزار دسترمی پیدا کرده اند. مضافا به اینکه کار نسخه برداری از نرم افزار به سختی کپی برداری از سخت افزار نیست. بنابراین، بنظر می رسد که حساسیت کشورهای صنعتی نسبت به موضوع فوق، بیشتر جنبه فرهنگی دارد تا علمی.

اما وقتی به سراغ کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه می آییم، موضوع به گونه ای دیگر طرح می شود. این کشورها در ابتدای راه

توسعه یافتگی هستند و تدوین قوانینی برای دارندگان آثار فکری و علمی، مستقیماً در رشد و غنای فرهنگی و علمی آنان موثر است. هدم پایبندی به این حقوق، لطمات جبران ناپذیری در روند توسعه آنان محسوب می‌شود. یعنی حساسیت این کشورها نسبت به موضوع فوق، کاملاً جنبه علمی دارد.

حال اگر بخواهیم بین انگیزه‌های این دو بلوک، ارتباطی برقرار کنیم، موضوع کاملاً پیچیده خواهد شد.

به هر حال ما به عنوان طرفی که در طول یک قرن گذشته در معرض غارت علمی قرار گرفته ایم، حق داریم که نسبت به یغما رفتن سرمایه‌های خود طلبکار باشیم، و این ذهنیت ما را بر آن میدارد که الگوی خاصی در زمینه فرهنگ استفاده از نرم افزار ارائه دهیم. در این الگو لزوماً رویکردی به قوانین بین‌المللی نخواهیم داشت چرا که آنان نیز در الگوهای فرهنگی و علمی اشان هرگز توانائی‌های بالفعل ما را در نظر نگرفتند. به این ترتیب، ترمیم یک چارچوب برای کاربران و پدید آورندگان نرم افزار در کشورهای جهان سوم مانند ایران، آنقدرها هم منطبق بر الگوهای سازمانهای بین‌المللی نخواهد بود.

اما این به معنی تضاد یا تقابل با سازمانهای بین‌المللی حقوق دارندگان نرم افزار هم نخواهد بود.

با تعمق در شرایط فعلی، مبانی و اصولی به نظر می‌رسد که لازم

است گام به گام تدوین و ترمیم شود.

این میبانی عبارتند از:

۱- در اولین گام می بایستی از نفوذ خود در سازمانهایی مثل سازمان توسعه صنعتی ملل متحد ( UNIDO ) و سازمان جهانی حمایت از مالکیت‌های معنوی ( WIPO ) و یا یونسکو ، در جهت درک منطقی عقب ماندگیهای علمی جهان سوم استفاده کنیم . بر این اساس می بایستی به آنان بقبولانیم که کشورهای توسعه یافته الزاما بخشی از ادعاهای حقوقی خود را نسبت به جهان سوم در این زمینه نادیده بگیرند .

۲- در دومین گام تدوین و تبیین قوانین حمایت از پدید آورندگان داخلی به نحوی که آنها نیز الزاما مقید به رعایت قوانین مربوطه باشند .

ما به عنوان یک کاریر مسلمان ، تحقیقا محدودیتهای اخلاقی هم در استفاده غیر قانونی از هر نوع تکنولوژی را داریم ، و این خود بهترین رهیافت برای رسیدن به اصل استفاده منطقی از آثار علمی می باشد . با اتکا به پشتوانه غنی فرهنگی - اسلامی خود میتوانیم کاربران را به وجدان علمی راهنمایی کنیم . این امر هیچ تناقض منطقی با قوانین عقلی - فقهی ما هم ندارد .

شاید این تصور پیش آید که چگونه عدم پایبندی به قوانین و حقوق صاحبان نرم افزار که از غرب وارد می شوند ، قابل

سرزنش نیست اما همین امر در داخل کشور موردی چالش آفرین است.

در پاسخ بایستی گفت که به عنوان نمونه در منابع فقهی، گرفتن بهره از سرمایه در جهان کفر برای یک مسلمان بلا اشکال است اما همین امر بین دو مسلمان بدون شک حرام و ممنوع است.

۳- لازم است که شورای عالی انفورماتیک کشور الگوئی را ترمیم کند که در آن اهمیت پایندی به حقوق پدید آورندگان نرم افزار بیشتر از اهمیت میزان عقب ماندگیهای تکنولوژیکی و علمی جهان موم نباشد. به عبارت دیگر لازم است که حقوق صاحبان نرم افزار در سایه موضوع اساسی تری که عبارت است از کاربرد علمی و عملی رایانه در جامعه، مطرح شود. زیرا این موضوعی انکار ناپذیر است که هر جامعه ای برای برداشتن گامهای موثر در راه رشد علمی و تکنیکی، چاره ای جز چشم پوشی از بعضی موانع را ندارد.

البته این به معنی نقض نوانین حقوق دارندگان نرم افزار نیست، بلکه این فشار مستقما بطرف شورای عالی انفورماتیک می باشد که لازم است با در نظر گرفتن یارانیه ای در اختیار شرکتها یا موسسات پدید آورندگان نرم افزار، تا حدودی جبران این ضررها را بنماید.

در مجموع اصول سه گانه فوق ، ظاهراً در تناقض با هم بنظر می رسند . اما واقعیت امر این است که جمع بین این ضدین ، الزامی ، عملی و دست یافتنی تر از اهداف ایده آلیستی است که فقط در فکر و اندیشه می گنجد و هرگز عملی نخواهد شد .

البته طبیعی است که الزام جامعه کاربران رایانه به رعایت قوانین حق کپی ، موجب افزایش سود دهی پدید آورندگان نرم افزار می گردد ، اما تا رسیدن به جامعه ای ایده آلیستی ، ضروری است که مسکن هائی را برای کاهش چالش در این فضا اعمال کنیم .

بنابر این پیشنهاد های اینجانب ، کوتاه مدت و مقطعی است امید است که با رشد و غنای فرهنگ جامعه اسلامی ، به وضعیتی برسیم که همه پدید آورندگان نرم افزار ، مطمئن باشند که از حمایت قانونی و عرفی برخوردار خواهند بود . و کاربران نیز به وضعیتی برسند که نقض قوانین مربوطه ، پیش از پیش ، آنان را سزافکننده سازد .

## پایان